

تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به باروری از دیدگاه

زنان شاغل در آموزش و پرورش

سیدمحمد رضا رشیدی آل‌هاشم^۱

۱

سال اول

پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۰۲

صص: ۸۵-۴۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل‌های اثرگذار بر فرآیند انتقال باروری می‌باشد به بیان دقیق‌تر، این مطالعه با پیوند زدن برخی از دگرگونی‌های اجتماعی چند دهه حاضر با رفتارها و ارزش‌های خانوادگی نشان می‌دهد که چگونه برخی از این فرایندهای اجتماعی عمده و نیز دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی پیاپی این سال‌ها به مسیر دگرگونه‌ای، از جمله بر رفتارها و نگرش‌های باروری اثرگذاری عمده‌ای گذاشته است. پژوهش حاضر به روش کمی، پیمایشی و اسنادی مطالعه شد. جامعه آماری این پژوهش، زنان متأهل و شاغل در سنین باروری (۱۵-۴۹) ساله می‌باشد؛ که با فرمول کوکوران شمار ۲۷۸ نفر برای این پروژه مشخص گردید. ابزار تحقیق پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که اعتبار آن صوری بوده و از نظرهای اندیشمندان روش تحقیق و جامعه‌شناسی استفاده شد. و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۶۹۲ تا ۰/۸۵۲ بوده است. نتایج نشان داد که عوامل‌های اجتماعی، اقتصادی مطالعه شده در این پژوهش (رضایت‌مندی زناشویی، مدگرایی، گرایش دینی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فردگرایی، احساس و روحیه دنباله روی (مدرنیته) نو بودن اندیشه‌های زن‌های جوان و دخترها بر گرایش به فرزندآوری اثرهای گوناگون و بالاترین اثر با ۰/۹۸۲ را دارد. به گونه خلاصه به نظر می‌رسد رفتار باروری زن‌ها بر میزان استقلال آن‌ها در خانواده اثرگذاری بالایی دارد که میزان این اثر از اثرهای زیر ۱۰٪ تا ۹۸٪ نشان داده شد. از سوی دیگر، میزان توانمندی‌های فردی و اجتماعی زن‌ها که دربردارنده آگاهی و ارتباطات اجتماعی آن‌ها و همچنین توانایی‌های فردی‌شان می‌باشد؛ بر رفتار باروری زنان اثرگذارهای گوناگون دارد.

کلید واژه‌ها: باروری، رضایت‌مندی زناشویی، مدگرایی، گرایش دینی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)، دانشکده علوم انسانی و قدرت نرم، گروه

dsr.rashidi@gmail.com

فرهنگی اجتماعی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

باروری یکی از فرآیندهای مهم جمعیتی است که عبارت از زایش واقعی یا عمل زایش نسلی یک فرد یا یک گروه اجتماعی بدون در نظر گرفتن توان باروری فردی زن‌هاست. در باروری کنش واقعی زایش موردنظر است (تقوی، ۱۳۸۱: ۳۸۶).

در میان مجموعه عامل‌های جمعیت‌شناختی، باروری و دگرگونی‌های آن می‌تواند اثرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کوتاه و درازمدت بسیاری بر جای بگذارد؛ بنابراین مطالعه‌ی این شاخص و حرکت جمعیتی و عامل‌های اثرگذار بر آن، به‌ویژه در ایران که در دهه‌های اخیر کاهش پرشتابی در باروری خود تجربه کرده، اهمیت عمده‌ای دارد. همراه با توسعه نسبی اقتصادی و اجتماعی، در نتیجه پذیرش سیاست‌های کنترل مولید از اواسط دهه‌ی ۱۳۶۰، سطح باروری با کاهش شتابان خود، از حدود ۷ نفر در اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ به حدود ۱/۹ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۸۵ رسید و در سال‌های حاضر این رقم به ۱/۱ رسیده است (Abbasi-shavazi & et al 2009:25).

به دلیل حاکمیت کشورهای استعماری بر سازمان‌های جهانی مانند بهداشت جهانی و صندوق پول، سیاست‌های جمعیتی کاهش‌ی بر کشورهای جهان سوم تحمیل می‌شود و این امر را به‌عنوان دغدغه به کشورهای یاد شده باورانده‌اند.

نظر به اهمیت جمعیت برای دست‌یابی به پیشرفت، شناخت جمعیت و ویژگی‌های آن ضرورت دارد. این شناخت با ارزیابی و تجزیه و تحلیل پدیده‌های گوناگون جمعیتی مانند باروری، مرگ و میر، مهاجرت، ازدواج و زاد و ولد زمینه‌ی مناسب را برای برنامه‌ریزی‌های گوناگون پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازد.

در فاصله زمانی سه دهه گذشته باروری ایران به‌گونه چشم‌گیری کاهش یافته است هرچند پژوهش‌های زیادی در زمینه تبیین کاهش باروری، ایران صورت گرفته است، سازوکارها و دگرگونی‌های باروری و نیز عامل‌های مرتبط با آن هم‌چنان در پرده ابهام قرار دارد (سرشماری‌های گوناگون از ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰).

مسئله باروری و پیامدهای آن برای سلامت و ادامه جامعه بسیار مهم است، زیرا تنها راه تأمین جمعیت و تداوم تولید مثل با باروری می‌باشد. هرچند می‌توان بخشی از جمعیت موردنیاز یک جامعه را با مهاجرت تأمین کرد ولی سرانجام، ناگزیر از عنایت به مقوله باروری و فرزندآوری

هستیم. باید عنایت داشت که هرگونه سیاست‌گذاری در مورد روندهای جمعیتی در آینده و به‌کارگیری هرگونه برنامه عمل، نیازمند آگاهی و شناخت عوامل و تعیین‌کننده‌های باروری است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴).

باروری، به‌عنوان یکی از ساختارهای‌های جمعیتی، مهم‌ترین عامل دگرگونی در ساخت جمعیت است که نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ها در سطح خرد (خانواده) و در سطح کلان (جامعه) دارد. از سوی دیگر با عنایت به این که در جامعه‌های پدرسالار فرزندآوری بسیار مهم می‌باشد، موقعیت و پایگاه‌زن‌ها بیشتر با شمار کودک‌هایی که به دنیا می‌آورند و هم‌چنین با جنس نوزاد در ارتباط است براینکه آن‌ها می‌توانند با فرزندآوری جایگاه و موقعیت خود را بالا ببرند و به‌مرتب مردها برسانند.

برخلاف وجود شرایط گوناگونی که بسیاری از زنان در سرتاسر دنیا تحت آن زیست می‌کنند، میزان‌های رشد جمعیت در پهنه ۳۰ سال گذشته کاهش چشم‌گیری داشته است. تولیدمثل عامل کلیدی در زندگی زنان است و باروری به‌گونه‌جداانپذیری با نقش زنان در جامعه و اجتماع مرتبط می‌باشد. با عنایت به این که زن‌ها عامل عمده زاد و ولد به‌شمار می‌آیند، موقعیت و جایگاه آن‌ها در جامعه می‌تواند بر رفتار باروری‌شان اثر بگذارد

این پژوهش عامل‌های اثرگذار بر فرآیند انتقال باروری را تحلیل می‌نماید. به بیان دقیق‌تر، این مطالعه با پیوند زدن برخی از دگرگونی‌های اجتماعی چند دهه‌حاضر با رفتارها و ارزش‌های خانوادگی نشان می‌دهد که چگونه برخی از این فرایندهای اجتماعی عمده و نیز دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی پیاپی ناشی از آن‌ها در این سال‌ها به‌مسیر و جهت دگرگونی‌های خانوادگی و ازجمله بر رفتارها و نگرش‌های باروری اثر زیادی نهاده است.

پژوهش‌های گوناگون کاهش باروری در بیشتر استان‌های کشور را نشان می‌دهند هر چند بعضی از استان‌ها فرایند دگرگونه‌ای دارند و شمارشان اندک است و همه منطقه‌های شهری و روستایی در کشور دچار رفتار کاهش باروری هستند و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح خرد در این امر اثر چندانی ندارد (عباسی شوازی، ۱۳۹۲).

به‌کارگیری سیاست‌های جمعیتی کاهش‌ی از سوی دولت‌ها و اثرپذیری متون، آموزش و پژوهش‌های دانشگاهی کشور از فرایند دگرگونی‌ها در جامعه‌های غربی، و رونق گرفتن ارتباط‌های مجازی و رسانه‌ای جهانی به دگرگونی‌های سبک زندگی مردم جامعه دامن زده است،

تک فرزندی یا دو فرزندی شکل غالب خانواده‌های ایرانی را شکل می‌دهد. بالا رفتن سن ازدواج هم بر جمعیت خانواده‌ها اثر می‌گذارد و موجب افزایش علاقه به تصمیم‌گیری برای فرزندآوری کم می‌شود (شرف‌الدین، ۱۳۹۳: ۳) (عظیم‌زاده اردبیلی، جلالی، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲).

پس پرسشی که می‌توان در این زمینه در حیطه جامعه و به‌ویژه خانواده و از همه مهم‌تر زن‌ها و دخترهای جوان طرح کرد و به بحث و بررسی آن پرداخت این است، دگرگونی‌های جمعیتی باروری و عامل‌های جامعه‌شناختی اثرگذار بر آن کدام‌اند؟. چه عامل‌هایی بر باروری اثرگذارند؟ کاهش فرزندآوری در جامعه امروز ایران یکی از عمده‌ترین مسئله‌های جمعیتی کشور است. به‌گونه‌ای که میزان باروری از دهه ۸۰ به بعد با سرعت زیادتری کاهش یافته است. از آن‌جاکه باروری به‌عنوان مهم‌ترین عامل افزایش جمعیت به شمار می‌آید و کاهش شتابان آن ساختار سنی جمعیت را در جهت سالخوردگی دگرگون می‌کند و منجر به کاهش جمعیت فعال و مولد می‌شود و بار تکفل را نیز افزایش می‌دهد. هرچند در حال حاضر جمعیت سالمند سهم کمی از جمعیت را به خود اختصاص داده است اما جامعه ایران با کاهش فرزندآوری و تغییر ناشی از ساختار سنی گروه ۲۰ تا ۳۰ ساله در آینده فزونی سالخوردگان را تجربه می‌کند. دگرگونی‌های ناشی از کاهش فرزندآوری در آینده و سالخورده شدن جمعیت مسئله‌های چون افزایش بار تکفل، مسئله‌های درباره سالخوردگان، ناسازگاری نیروی کار فعال و مسئله‌هایی از این گونه برای جامعه آینده ایجاد می‌کند پس بررسی علمی این موضوع برای جامعه ضرورت دارد. با توجه به این‌که پدیده کاهش فرزندآوری مشکل‌هایی را برای ساختار سنی و سرانجام توسعه و پیشرفت پایدار و همه‌جانبه جامعه ایجاد می‌کند (رشیدی آل‌هاشم، ۱۳۹۷).

انتخاب جامعه آماری و به تبع آن نمونه از زنان شاغل به دلیل آن است که زنان شاغل به دلیل حضور در محل کار و جامعه در جستجوی فرصت‌های بیرون از خانواده، و اولویت کمتری برای باروری و فرزندآوری در نظر می‌گیرند با همین ذهنیت و رویکرد تلاش شده است عوامل موثر بر گرایش به باروری در بین زنان شاغل مطالعه شود شاید بعضی از نتایج و عوامل موثر بر جامعه زنان غیر شاغل هم اثرگذار باشند ما در این مطالعه جامعه زنان شاغل را مطالعه می‌کنیم در یک پژوهش دیگر می‌توان این مطالعه را به زنان غیر شاغل نیز گسترش داد.

هدف کلی این پژوهش مطالعه‌ی باروری و بررسی شناخت عوامل‌های اثرگذار بر علاقه به فرزندآوری زن‌های جوان و دخترهای متأهل کارمند شاغل در آموزش و پرورش رباط کریم می‌باشد.

هدف‌هایی جزئی آن دربردارنده:

- شناسایی و تبیین رابطه رضایت زناشویی و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش،
- شناسایی و تبیین رابطه مدگرایی و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش،
- شناسایی و تبیین رابطه گرایش دینی و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش،
- شناسایی و تبیین رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش،
- شناسایی و تبیین رابطه مشارکت اجتماعی و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش،
- شناسایی و تبیین رابطه فردگرایی زن و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش،
- شناسایی و تبیین رابطه احساس روانی مادر و گرایش به فرزندآوری در بین کارمندان زن و دختر سازمان آموزش و پرورش.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

گرایش:

از نظر توماس و زنانیکی گرایش‌ها، فرایندهای ذهنی جداگانه‌ای هستند که تعیین‌کننده پاسخ‌های واقعی و بالقوه هر شخص در دنیای اجتماعی به‌شمار می‌آیند. از جایی که هر گرایش همیشه به برخی چیزها روی می‌کند، می‌توان آن را موضع‌گیری ذهنی فرد در برابر یک ارزش

تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به باروری از دیدگاه زنان شاغل در آموزش و پرورش

دانست. ارزش‌ها بیشتر ماهیتی اجتماعی دارند یا به عبارت دیگر، آن‌ها دیدگاه‌های مشترک مردم دربار ه بشر به‌شمار می‌آیند. (علی‌خواه، ۱۳۷۸: ۱۱۹)

جدول ۱. ابعاد مفهومی و عملیاتی

مفهوم	ابعاد	معرف
گرایش به داشتن فرزند دیگر	تمایل	آیا دل‌تان می‌خواست، یک فرزند دیگر هم می‌داشتید؟ آیا همسرتان دلش می‌خواست، یک فرزند دیگر هم می‌داشت؟
	قصد	آیا قصد به دنیا آوردن فرزند دیگری را دارید؟
	برنامه‌ریزی	آیا برنامه‌ریزی برای آوردن فرزند دیگر کرده‌اید؟

جدول ۲. ابعاد عملیاتی

گرایش به باروری	من فکر می‌کنم، خوشبختی خانواده درگرو وجود بچه است، مهم‌ترین هدف ازدواج، فرزندآوری است، والدین بایستی فرزندان بیشتری داشته باشند تا در دوران پیری تنها نباشند، بچه باعث می‌شود که آدم از فعالیت‌های اجتماعی دور بماند، من از محیط‌های پر از بچه دوری می‌کنم، فرزندان به زندگی گرما و آرامش می‌بخشند. با تولد فرزند مشکلات نیز شروع می‌شود، هرچه تعداد فرزند بیشتر باشد، وابستگی زن و شوهر به همدیگر بیشتر می‌شود، افزایش فشارها و برخی از بیماری‌ها با تولد فرزند شروع می‌شود، فرزند زیاد کمک خوبی برای انجام امور منزل از جمله نگهداری از فرزند است.
باورهای مذهبی	همه امور زندگی به دست خداست، دین راهنمای خوشبختی انسان‌ها در زندگی است، هر نیکی که به انسان رسد از جانب خداست و هر بدی که به او رسد از خود انسان است، اگرچه خداوند مرا دوست دارد، ولی علائم محسوسی برای راهنمایی در زندگی برایم نمی‌فرستد، هر وقت و هرکجا که به خدا احتیاج داشته‌ام، او حاضر و ناظر بوده است، فرشتگان بر بام خانه‌ای که بچه در آن باشد، نعمت و رحمت می‌آورند، فرزند در خانه مؤمن مایه برکت است، قرآن کریم راهنمای مناسبی برای زندگی من بوده است، به‌روز قیامت اعتقاددارم، سعی می‌کنم در کارها مطابق دستورات خداوند عمل کنم، در مراسم مذهبی (مانند دعا و نیایش و...) شرکت می‌کنم
پایگاه اجتماعی	تحصیلات زوجین، شغل زوجین، طبقه خود اظهاری، درآمد.

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

مرضیه کیودی و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری به صورت یک مطالعه کیفی انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تصمیم فرزندآوری یا فرزند نیاوردن به صورت تصادفی شکل نمی‌گیرد بلکه پایه این تصمیم‌گیری، رفع یا کاهش یک سری نیازهای درک شده است. نیاز به فرزندآوری بایسته به معنای علاقه قلبی افراد برای داشتن فرزند نیست بلکه فرد تصور می‌نماید داشتن فرزند (دیگر) می‌تواند بخشی از نیازهای درک شده او را کاهش دهد. دو مقوله‌ی نگرش فرد به پیامدهای فرزندآوری و هنجارهای درک شده نیز شرایط علی نیاز درک شده به فرزندآوری هستند (کیودی، ۱۳۹۲).

حلیمه عنایت و لیلا پرنیان (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً ۲۹ درصد زنان گرایش به فرزندآوری دارند. بر اساس نتایج آزمون همبستگی نیز بین همه مؤلفه‌های جهانی شدن فرهنگی دربردارنده: فناوری نوین داده‌ای و ارتباطاتی، نگرش نقش جنسیتی، آگاهی از وسایل پیشگیری از بارداری، استفاده از موبایل و مشتقات آن و فردگرایی، ارتباط معنی‌دار و منفی با متغیر گرایش به فرزندآوری وجود دارد. یافته‌های برآمده از رگرسیون چند متغیره نیز نشان داده است که چهار متغیر فناوری نوین داده‌ای و ارتباطاتی، فردگرایی، نگرش نقش جنسیتی و استفاده از موبایل و مشتقات آن در مجموع توانسته اند ۲۶/۳ درصد از تغییرهای متغیر گرایش به فرزندآوری را تبیین کنند (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲).

محمدجلال عباسی شوازی؛ زهره خواجه صالحی (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری در شهر سیرجان انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای استقلال و تمایل به فرزندآوری با کنترل متغیرهای اقتصادی و اجتماعی (تحصیلات، مشارکت اجتماعی و وضعیت اشتغال) معنادار نیست. هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک بیانگر این بود که از میان متغیرهای گوناگون، متغیر تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین تغییرهای

متغیر وابسته دارد به گونه‌ای که با افزایش این دو عامل تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. افزون بر این دو متغیر سن زنان و شمار فرزندان در رابطه با متغیر تمایل به فرزندآوری از قدرت تبیین بالایی برخوردارند (شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲).

محمود مباحثی و همکارانش در سال (۱۳۹۲) تحقیق با عنوان تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند شهرستان شهرکرد انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که بین نمره نگرش افراد با سن، سن ازدواج مدت زمان زندگی مشترک و تحصیلات رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود داشت. بیشترین درصد افراد (۸۳/۳ درصد) افزایش هزینه‌ها و فشار اقتصادی و کمترین درصد (۸/۳ درصد) ترس از سقط مکرر و مرده‌زایی را دلیل عدم تمایل به فرزندآوری ذکر کرده بودند. سه عامل افزایش هزینه‌ها و فشار اقتصادی، عدم وجود حمایت‌ها و تسهیلات رفاهی از جانب دولت برای فرزندآوری و نگرش غلطی که داشتن فرزند بیشتر نشانه فرهنگ اجتماعی ضعیف‌تر است، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرزندآوری می‌باشد (مباحثی، ۱۳۹۲).

صمد کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر تبریز انجام داده‌اند. نتایج حاکی از آن بود که بین گرایش به فرزندآوری و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معنادار مثبت وجود داشت بین گرایش به فرزندآوری و گرایش دینی همبستگی معناداری مشاهده گردید؛ بین گرایش به فرزندآوری و منافع اقتصادی رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه پدر والدین بیشتر به دنبال منافع اقتصادی خود بودند به همان میزان از گرایش آنها به فرزندآوری کاسته می‌شد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹).

پیشینه خارجی

برناردی و همکاران (۲۰۰۷) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر عوامل اجتماعی بر باروری انجام دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که رهیافت شبکه اجتماعی می‌تواند برای تبیین شکل‌گیری تمایلات باروری در یک کشور اروپای غربی به کار رود. به علاوه ارزیابی ذهنی پاسخ‌گویان از روابط خاص و تجربه‌ها، رفتارها و نگرش‌های طرف‌های آنها در شبکه، برای درک اثرات ساختارهای شبکه‌ای خاص بسیار مهم است (برناردی، ۲۰۰۷ به نقل از صیمکانی‌زاده، ۱۳۹۳).

اکرت جف و استیر (۲۰۰۹) نیز در پژوهشی با عنوان «رفتار اصولی و اقتصادی، باروری و اشتغال زنان در اسرائیل» نشان می‌دهد که متغیرهای فرهنگی تصمیم‌های باروری و گرایش به فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اما متغیرهای اقتصادی تصمیم‌های باروری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲).

بکر و همکارانش (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان "آیا تحصیلات زنان بر باروری تأثیر می‌گذارد؟ انجام داده است شواهد قبل از گذار جمعیتی پروس" به بررسی تأثیر تحصیلات زنان بر باروری قبل از دوران گذار جمعیتی در پروس پرداخته شده است. در زمانی که به فرصت‌های شغلی، دستمزدهای نسبی و کم و کیف فرزندآوری به عنوان عوامل محدودکننده باروری توجه می‌شد به نقش تحصیلات زنان کمتر توجه می‌شد. در این مقاله با استفاده از داده‌های ترکیبی سه سرشماری سال‌های ۱۸۱۶، ۱۸۴۹ و ۱۸۶۷ در سطح ۳۳۴ شهرستان به برآورد رابطه بین تحصیلات زنان و باروریشان قبل از گذار جمعیتی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش در سطح تحصیلات زنان یک نقش اساسی در کاهش باروری قبل از دوران گذار داشته است.

رامش آدهی کاری و سوانگک (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان "تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی بر باروری افتراقی در نپال" انجام داد در این تحقیق که از تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره استفاده شده است نشان داد که سن زن در اولین ازدواج، تعداد ایده‌آل فرزندان، وضعیت سواد، قرار گرفتن در معرض رسانه‌های جمعی، وضعیت ثروت و تجربه مرگ کودک توسط مادر پیش‌بینی‌کننده‌های قوی در باروری زنان نپالی است

در پژوهش‌های قیاسی و به تبع آن پیمایشی که فرضیه‌سازی و فرضیه‌آزمایی در دستور کار است نیاز به پشتوانه نظری و چارچوب مفهومی داریم که نظریه‌های در راستای متغیرهای پژوهش و پیشینه پژوهش و همین‌طور مطالعه‌های اکتشافی پشتوانه نظری و حرکت کل به جزء و پس از جمع‌آوری اطلاعات مجدد بازگشت به کل را به عهده دارند.

نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی

نظریه انتقال جمعیت

بر اساس این نظریه، به موازات صنعتی شدن، سطح زندگی و شرایط بهداشت، بهبود یافته و در نتیجه سطح‌های مرگ و میر کاهش یافته است. کاهش باروری، تحت تاثیر این تغییرات، اندکی بعد از کاهش مرگ و میر رخ داده است که این کاهش مربوط به تغییر در شیوه زندگی اجتماع، شهرنشینی و صنعتی شدن می‌باشد. این عوامل در ابتدا باعث کاهش مرگ و میر می‌شوند که این امر به نوبه خود به افزایش احتمال بقا کودکان کمک می‌کند. بر این اساس شهرنشینی و صنعتی شدن، باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزندان زیاد از بین می‌رود. شرط اساسی این نظریه این است که باروری پایین، نتیجه مستقیم نوسازی و صنعتی شدن است. انتقاد وارد شده بر این نظریه این است که صرفاً توصیفی از تاریخ جمعیت‌شناسی کشورهای اروپای غربی است و مشخص نمی‌کند که چه سطحی از توسعه برای کاهش باروری مورد نیاز است. انتقاد دیگر اینکه نمی‌تواند به‌طور مناسب، وقایع جمعیتی کشورهای در حال توسعه را تبیین کند (سازمان ملل، ۱۹۹۰: ۳).

نظریه جریان ثروت بین نسلی

به نظر کالدول در هر جامعه‌ای شرایط اجتماعی خاصی وجود دارد که با تعیین کمینه‌ها و بیشینه‌های خوشایند رفتار باروری را تنظیم می‌کند. شرایط اجتماعی با طرح یک کمینه، مانع افت باروری در سطح‌های پایین‌تر از آن کف مشخص می‌شود. حتی اگر داشتن فرزند کم‌تر از آن مقدار، از نظر اقتصادی نابخردانه باشد و نیز همین شرایط اجتماعی با طرح یک سقف ماکزیمم، مانع افزایش سطح باروری در حدی بالاتر از آن سقف می‌شود. بنابراین، مسئله اساسی در نظریه کالدول برای تفسیر انتقال‌های جمعیتی، جهت‌گیری و میزان جریان ثروت بین نسلی یا تعادل خالص دو جریان ثروت، یکی از سوی پدر و مادر به فرزندان و دیگری از سوی فرزندان به پدر و مادر، در پهنه دوره زمانی از پدر و مادر شدن افراد تا هنگام مرگ آنهاست. نکته پافشاری شده در این نظریه این است که ممکن نیست کاهش باروری در جامعه‌ای رخ دهد، مگر آن‌که واحد خانواده هم از نظر اقتصادی و هم از نظر عاطفی به‌صورت هسته‌ای درآید (خوشنویس، ۱۳۸۰: ۵۸).

کالدول، کاهش رفتار باروری در جریان ثروت را از نسل‌های سالمندتر به کودکان می‌داند. به نظر وی:

- ۱- تنها در صورت هسته‌ای شدن خانواده باروری کاهش می‌یابد.
- ۲- صنعتی شدن، برای کاهش باروری، شرط کافی به‌شمار نمی‌آید.
- ۳- کاهش باروری با وارونه شدن جهت جریان ثروت بین نسلی آغاز می‌شود (کلند و ویلسون، ۱۹۸۷: ۸۳).
به نظر کالدول، آموزش همگانی، نخستین عامل آغاز انتقال باروری است چرا که از پنج شیوه، رفتار باروری را به طور غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد:
 - ۱- کاهش پتانسیل کار کودکان به‌عنوان کارگران؛
 - ۲- افزایش هزینه کودکان مانند هزینه تحصیلات؛
 - ۳- تغییر روابط خانواده و هزینه آور شدن فرزندان به علت این که جامعه از پدر و مادر انتظار پشتیبانی از فرزندان را به‌عنوان سرمایه‌های آینده جامعه دارد؛
 - ۴- آموزش، سرعت تغییرهای فرهنگی را افزایش می‌دهد؛
 - ۵- پیدایش ارزش‌های غربی در اثر آموزش (سازمان ملل، ۲۰۰۰: ۲۲).

نظریه ارتقا اجتماعی

یکی از نظریه‌هایی که در زمینه باروری و میزان آن بیان شده است، نظریه منزلت اجتماعی است در این نظریه اندیشمندان، میزان باروری هر خانوار و جامعه را برپایه جایگاه و منزلت پدر و مادر و یا ساکنان آن جامعه می‌دانند.
دمونت اعتقاد دارد که داشتن فرزند کم‌تر یا بیش‌تر ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی پدر و مادر دارد؛ به‌عنوان مثال، اگر در جامعه‌ای داشتن فرزند بیش‌تر امکان افزایش منزلت اجتماعی بالاتر را در پی داشته باشد (همانند بسیاری از جامعه‌های توسعه نیافته بر پایه کشاورزی)، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که شمار فرزندان بیش‌تری داشته باشند (بیهند، ۱۹۸۸: ۲۶۸).

نظریه‌های اقتصادی

به نظر بکر رفتار باروری خانواده متأثر از رفتار اقتصادی است. همان‌گونه که خانواده‌ها در زمینه اقتصادی در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند، به همان شیوه در مورد ترجیح‌ها و سلیقه‌های خود، میزان درآمدها و هزینه‌های فرزند نیز اقدام می‌نمایند؛ بنابراین، بر اساس این نظریه شمار بچه‌هایی که خانواده‌ها دارند بیشتر با عامل درآمد تعیین می‌شوند. در نتیجه، خانواده‌های ثروتمند باید فرزندان بیش‌تری داشته باشند؛ اما شاهد‌های تجربی اروپای غربی وارونه این مسئله را نشان می‌دهد. بکر در جواب می‌گوید که یک متغیر مداخله‌گر بنیادی مانند دسترسی به فناوری و ابزارهای پیشگیری از بارداری وجود دارد که این عامل با درآمد رابطه مثبتی دارد و رابطه موجود بین درآمد و بعد خانوار را از بین می‌برد (فریدمن و دیگران، ۱۹۹۴: ۳۷۹).

میزان تقاضا برای فرزند، نه فقط از قیمت فرزند، بلکه از درآمد حقیقی نیز اثر می‌پذیرد. افزایش درآمد، به‌طور کلی موجب افزایش تقاضا برای کالاهای گوناگون می‌گردد. ولی اگر افزایش درآمد همراه با افزایش هزینه فرزند، باشد ممکن است موجب کاهش میزان تقاضا برای فرزند گردد. در سال‌های حاضر، رشد اقتصادی، نه تنها درآمدها را افزایش داده است، بلکه موجب افزایش هزینه فرزند نیز گشته است. این امر ناشی از افزایش اشتغال زنان و با ارزش‌تر شدن زمانی است که هزینه مراقبت از فرزندان می‌گردد. افزایش هزینه فرزند منجر به جایگزینی کالاهای دیگر به جای آنان در تابع تقاضای پدر و مادر می‌شود. غلبه کردن اثر جانشینی بر اثر درآمدی، موجب شده است که رابطه منفی قوی بین درآمد سرانه و تقاضا برای فرزند دیده شود. پژوهش‌ها در کشورهای گوناگون نیز بیان‌کننده آن است که اثر منفی افزایش دستمزد زنان بر شمار فرزندان، به علت اثر مثبت افزایش منابع خانواده است (بکر، ۱۹۹۱).

نظریه‌های اجتماعی

باروری به مثابه کنش اجتماعی

با توجه به این‌که باروری به‌طور کلی یک امر ارادی بوده و فرد در شکل‌گیری آن نقشی اساسی دارد، بنابراین می‌توان آن را یک کنش به شمار آورد. هر چند در واژه در رونق جمعیت

شناسی از باروری به عنوان یک رفتار یاد می‌شود، ولی با توجه به این که در نظریه‌های جامعه‌شناختی بین رفتار و کنش تفاوت وجود دارد؛ بنابراین در این جا نیز بر پایه ویژگی‌هایی که در مورد کنش یاد می‌شود، باروری را یک کنش در نظر می‌گیریم.

نظریه کنش اجتماعی

نظریه کنش ریشه در کار ماکس وبر در زمینه کنش اجتماعی دارد. هر چند وبر کارش را بر پایه مفروضاتی در زمینه کنش گران و کنش بنا نهاده بود، اما علاقه اصلی‌اش متوجه تاثیر بایسته‌های فرهنگی و ساختاری روی کنشگران بود. نظریه کنش به جای پافشاری بر این جنبه از کار وبر، در سطح اندیشه و کنش فردی عمل می‌کند (ریترز، ۱۳۸۲: ۵۲۸).

تالکوت پارسونز به‌عنوان نام‌آورترین نظریه‌پرداز در زمینه کنش اجتماعی، تلاش داشت نظریه کنش را از رفتارگرایی جدا سازد. در واقع، او برای آن واژه کنش را برگزید که دلالتی گوناگون از واژه رفتار دارد. رفتار دلالت بر واکنش مکانیکی در برابر برانگیزاننده‌ها دارد، حال آن‌که واژه کنش بر یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و ذهنی دلالت می‌کند (همان: ۵۲۹).

برای پارسونز مفهوم نظام کنش، مفهومی عینی نیست؛ به هیچ واقعیت عینی ارتباط ندارد، مثلاً به کارخانه یا به خانواده. آن‌طور که پارسونز آن را به کار می‌برد، نظام کنش از سنخ مفهوم‌سازی و تحلیل است؛ شیوه بازسازی ذهنی واقعیت است، نحوه ادراک چیزها و خلاصه کلام، مفهومی اکتشافی است. در واقعیت چیزی نیست که بتوان گفت این نظام کنش است. با این همه هر کنش را می‌توان به سیاق یک نظام کنش تحلیل کرد، مهم نیست که این کنش در چه سطحی از واقعیت بوده باشد، خواه رفتاری باشد که دو شخص در برابر یکدیگر در پیش می‌گیرند یا مبارزه طبقاتی یا کشمکش بین المللی. نظام اجتماعی به غایت کلی است و مصداق مستقیمی در دنیای واقعیت ندارد، چون که این مفهوم یک ابزار تحلیلی با میدان کاربرد بسیار گسترده است (روشه، ۱۳۷۶: ۶۲).

• روند تحولات نرخ باروری در ایران

به دلیل این کاهش نرخ باروری در سال‌های حاضر ناشی از عامل‌های اثرگذار در دگرگونی‌های خانواده، اشتغال زنان و دگرگونی‌های در سبک زندگی بوده است دگرگونی‌های در باروری اثر چنین تحول‌هایی را یادآور می‌شود کاهش باروری از کاهش ازدواج، بالارفتن سن

ازدواج، مجرد قطعی و کاهش فرزندآوری به دلیل‌های اشتغال و دگرگونی در نقش‌های زن‌ها و بیش از همه ناشی از نگرش‌های نوینی است که بر جامعه بار شده است (رشیدی آل‌هاشم، ۱۳۹۷: ۷۵). خانواده یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین گروه‌ها در جوامع مختلف است که هسته اصلی حیات اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهد. انسان‌ها جامعه‌پذیری و چگونگی زندگی اجتماعی را در درون خانواده می‌آموزند. از دیگر کارکردهای خانواده مراقبت از سالمندان و کودکان، ایجاد آرامش روحی و روانی برای اعضا و باروری و تولید نسل است (شیری، ۱۳۸۸). نهاد خانواده پایه جامعه است و پس از وقوع انقلاب اسلامی دولتمردان تلاش کردند که با تغییراتی در نهاد خانواده موجب نزدیکی بیشتر دولت اسلامی و جامعه گردند. پس از انقلاب اسلامی سیاست‌های خانواده‌گرا و بارورگرا مورد تأکید و حمایت دولتمردان قرار گرفت. نتایج سرشماری ۱۳۶۵ خبر از افزایش ۱۵ میلیونی جمعیت با نرخ رشد ۳/۹ درصدی داشت. پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی، دولت در سیاست‌های بارورگرا تجدیدنظر کرد. بحران اقتصادی و کمبود منابع و امکانات لازم برای پاسخگویی نیازهای آموزشی، بهداشتی، شغلی و دیگر نیازهای جمعیت کشور موجب شد که سیاستگذاران جمعیتی کشور، سیاست‌های کنترل جمعیت را به منظور کاهش نرخ باروری اجرا کنند. اولین سرشماری رسمی در ایران در سال ۱۳۳۵ انجام شد که جمعیت ایران ۱۸/۹ میلیون نفر بود. از سرشماری ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ جمعیت ایران از ۳۳/۷ میلیون نفر به ۷۵ میلیون نفر رسید. در ۱۰ سال اول (۱۳۶۵-۱۳۷۵) جمعیت کشور با نرخ رشد متوسط سالانه ۳/۹ درصد روبه فزونی گذاشت و در ۱۰ سال دوم (۱۳۷۵-۱۳۶۵) که برنامه‌ریزی برای توسعه کشور آغاز شده بود، جمعیت ایران به سرعت روبه جوانی رفته و توجه به چشم‌انداز نیازهای آینده این انبوه جمعیت جوان موجب شد که برنامه کنترل جمعیت با سیاست کاهش باروری اجرا شود، به طوری که در دهه (۱۳۶۵-۱۳۷۵) نرخ باروری از ۶/۵ فرزند به ۲/۵ فرزند رسید و در سال ۱۳۹۰ نرخ باروری به ۱/۷۵ فرزند رسیده است. برای نشان دادن ابعاد مختلف این موضوع اگر تعداد جمعیت جوان اضافه شده پس از انقلاب را با توجه به جمعیت ۳۳ میلیونی کشور در سال ۱۳۵۷ و جمعیت ۷۵ میلیونی آن در حال حاضر محاسبه نماییم، به عدد اعجاب‌انگیز ۴۲ میلیون نفر خواهیم رسید. به عبارت دیگر تعداد افرادی که حداکثر سن آنها ۳۴ سال است، حداقل معادل عدد فوق است و چنانچه تعداد افراد فوت شده در این مدت که حدود ۱۵ میلیون نفرند و افراد متولد شده‌ای

که جای آنان را گرفته اند تا جمعیت به ۷۵ میلیون نفر رسیده است به ۳۴ میلیون نفر افراد فوق اضافه نماییم، افراد زیر ۳۵ سال کشور به حدود ۴۹ میلیون نفر خواهد رسید (لطیفی، ۱۳۹۱). در دهه اول انقلاب به دلایلی از قبیل رشد سریع و گسترده بهداشت فردی و عمومی، کاهش سن ازدواج و افزایش نسبی رفاه توده‌های مردم و نیز تحولات انقلابی که آینده بهتری را به جوانان (نیروهای اصلی انقلاب) نوید می‌داد، شاهد رشد شتابان جمعیت بودیم. این نسل در اصطلاح جمعیت‌شناسی تشکیل‌دهنده پنجره جمعیتی علاوه بر آن ایجاد فرصت‌های شغلی، تسهیلات در تشکیل خانواده و حمایت در تهیه مسکن و سایر امکانات رفاهی و تأمین دوران سالخوردگی برای نسل حاصل از باروری شتابان گذشته اهمیت بیشتری دارد (معینی، ۱۳۹۱). کنترل رشد جمعیت (نرخ باروری) متناسب با منابع طبیعی و امکانات یک جامعه برای رسیدن به توسعه پایدار لازم است. از آنجایی که دخالت مستقیم در باروری برای دولت‌ها، سازمان‌های بهداشتی و دست‌اندرکاران مسائل جمعیتی امکان‌پذیر نیست، شناسایی عوامل مؤثر بر جمعیت و باروری برای کنترل رشد جمعیت بسیار حائز اهمیت است.

نظریه‌های باروری

در روش‌های تحقیق پیمایشی که از جنس پژوهش‌های قیاسی می‌باشد فرایند از کل به جزء و دوباره از جزء به کل باید طی شود. بدین معنا که برای طرح فرضیه‌ها و مدل مفهومی پژوهش شما نیاز به پایه‌های نظری و پیشینیان دارید و همین کارکرد را از پیشینه پژوهش و مطالعه‌های اکتشافی هم همزمان می‌توانید جستجو کنید و اتکا بر پشتوانه نظری معتبر و نظریه‌های رایج در جهان برای رسیدن به فرضیه و چارچوب نظری معتبر است. ما در این پژوهش نظریه‌هایی که بتواند دگرگونی در باروری را تبیین کند نیاز داریم.

برای تبیین تغییرات باروری، متخصصان نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. از نخستین تلاش‌ها می‌توان به صورت‌بندی نظریه‌گذار جمعیتی اشاره کرد. بر اساس این نظریه به موازات صنعتی شدن، سطح زندگی و شرایط بهداشت بهبود یافته و در نتیجه سطوح مرگ و میر کاهش یافته است. کاهش باروری، تحت تأثیر این تغییرات، اندکی پس از کاهش مرگ و میر رخ داده است که این کاهش مربوط به تغییر در شیوه زندگی اجتماعی، شهرنشینی و صنعتی شدن می‌باشد. این

عوامل در ابتدا باعث کاهش مرگ و میر می‌شوند که این امر به نوبه خود از طریق افزایش احتمال بقای کودکان، باعث کاهش باروری می‌گردد. بر این اساس شهرنشینی و صنعتی شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزندان فراوان، از بین می‌رود. شرط اساسی این نظریه این است که باروری پایین، نتیجه مستقیم نوسازی و صنعتی شدن است (سازمان ملل، ۱۹۹۰).

تئوری واکنش و تغییرات جمعیتی دیویس نوع تصمیم‌گیری افراد را طوری در نظر می‌گیرد که الزاماً پیش از کاهش سطوح بالای باروری، اتفاق می‌افتد. تئوری درآمد نسبی استرلین بر این نظر استوار است که رفتار باروری تنها بر اساس آنچه که در جامعه در حال وقوع است، بنا نشده بلکه بر طبقه فرد در جامعه نیز استوار شده است. این دیدگاهی است که به‌طور خاص تعامل بین عوامل و پیامدهای تغییر جمعیت را به هم مرتبط می‌کند (ویکرز، ۱۹۹۲).

کالدول گسترده شامل پدر و مادر و فرزندان مجرد و متأهل و ... به خانواده‌های زن و شوهری و جریان ثروت بین نسلی، یعنی اینکه جریان ثروت در خانواده به چه صورت می‌باشد؟ آیا والدین کار می‌کنند و فرزندان استفاده می‌کنند یا برعکس از طرف والدین به فرزندان، می‌داند که قبلاً جهت این جریان از فرزندان به والدین بود (منصوریان، ۱۳۸۰). گزاره اصلی این نظریه این است که پیش از شروع کاهش باروری در یک جامعه، باروری کنترل نشده از نظر اقتصادی یک انتخاب عقلایی محسوب می‌شود چون فرزندان واجد ارزش و منفعت هستند و در مواقع خطر، بیماری و سالخوردگی والدین نقش بیمه‌ای ایفا می‌کنند. در دهه ۱۹۸۰ بیشتر محققین معتقد بودند که کاهش شدید باروری در کشورهای صنعتی که از ۴۰ سال قبل آغاز شده بود، با افزایش مشارکت نیروی کار زنان همراه است. به‌عنوان مثال مبدعان مفهوم انتقال جمعیتی دوم، کاهش تمایل به فرزندآوری را به افزایش استقلال اقتصادی زنان و تلاش آنان برای خوداتکایی مربوط دانستند. به‌طور مشابه بکر (۱۹۷۶) با توجه به هزینه‌های بالای مادر بودن، به‌خصوص برای زنان دارای تخصص‌های بالا، دلایل کاهش تمایل به فرزندآوری را افزایش علاقه زنان به تحصیلات و کار عنوان نمود.

واحد کنش داوطلبانه

- پدیده بنیادی در نظریه کنش پارسونز همان چیزی است که او واحد کنشی خوانده است. او این پدیده را بر حسب چهار عنصر سازنده مشخص می‌کند:
- نخست آنکه، این واحد به وجود یک کنشگر نیاز دارد؛
 - دوم آنکه، واحد کنشی مستلزم هدف یا وضعیتی آتی است که کنشگر نسبت به آن جهت‌گیری می‌کند؛
 - سوم آنکه، این کنش در موقعیتی انجام می‌گیرد که مستلزم دو عنصر است: چیزهایی که کنشگر نمی‌تواند تحت نظارتشان داشته باشد (شرایط) و دیگر آن چیزهایی که کنشگر می‌تواند بر آنها نظارت داشته باشد (وسایل)؛
 - چهارم اینکه، هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین گزینش وسایل دست‌یابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۲: ۵۳۰).

تصویر شماره ۳-۱ مفهوم‌سازی واحد کنش داوطلبانه را به صورت شماتیک نشان می‌دهد. کنشگر بر طبق شرایط حاکم و همچنین هنجارها و الزام‌های فرهنگی مسلط و با توجه به ابزارهای مختلفی که به آن‌ها دسترسی دارد، اهدافی را برای خود بر می‌گزیند. از طرف دیگر، براساس همین محدودیت‌ها و امکانات، نگرشی مشخص در ذهن وی شکل می‌گیرد. این نگرش بر روی یک طیف از عدم دست‌یابی کامل به اهداف مورد نظر تا کام‌یابی کامل در رسیدن به اهداف قرار می‌گیرد. کنشگر در رسیدن به هدف با دسته‌ای از محدودیت‌ها مواجه است که در طرح نظری پارسونز به عنوان شرایط حاکم شامل شرایط فیزیکی و همچنین شرایط فرهنگی معرفی می‌شوند. با توجه به اینکه کنشگر توانایی ایجاد تغییر در این بخش از نظام اجتماعی را ندارد، بنابراین اهداف وی در راستا و تحت این شرایط شکل می‌گیرد؛ اما ابزارها و وسایل دست‌یابی به اهداف، با وجود اینکه تحت تاثیر شرایط حاکم هستند، ولی کنشگر می‌تواند در مورد این ابزار اقدام به انتخاب آزادانه‌ی مشروط به وضعیت بنماید. از این‌رو، می‌توان انتظار داشت با توجه به

حضور طولانی مدت فرد در خانواده، شرایط خانوادگی در میزان باروری و فاصله‌گذاری تاثیر زیادی داشته باشد.

کارکردهای نظام کنش هر نظام کنش از دیدگاه پارسونز دارای چهار کارکرد اساسی می‌باشد که به نظری چهار نیاز ابتدایی و اساسی نظام کنش را تامین می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۷۵). یک کارکرد، مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

از طرف دیگر، پارسونز کارکردهای ابتدایی را به عنوان چهار "بعد" نظام کنش معرفی می‌کند، درست در همان معنایی که اصطلاح بعد در فیزیک دارد. به عبارت دیگر، در هر لحظه از زندگی یک نظام کنش، اجزای کنشی که آن را تشکیل می‌دهند باید در یکی از ابعاد چهارگانه جا گرفته باشند (روشه، ۱۳۷۶: ۷۵). هم‌چنان که از مفهوم فوق برمی‌آید، کارکردهای پارسونز نیز گویای ماهیت تحلیلی نظریه وی می‌باشند که نوع نگرش به مفهوم جایگاه آن را تغییر می‌دهد، ولی در نهایت نظام کنش تبیین می‌شود.

چهار کارکرد یا چهار بعد نظام کنش عبارتند از: سازگاری، دستیابی به اهداف، یگانگی و حفظ الگو.

۱- **سازگاری:** هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهای سازگار سازد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۱۳۱). سازگاری کارش این است که از نظام‌های بیرونی (نظام کنش) منابع گوناگونی را که نظام نیاز دارد بگیرد و در عوض، فرآورده‌های تولید نظام را عرضه کند و با فرآوری و تبدیل این منابع، آنها را برای نیازهای این نظام به‌کار ببرد.

۲- **دستیابی به اهداف:** این بعد شامل مجموعه کنش‌هایی است که اهداف نظام را تعیین کرده و در جهت نیل به اهداف و پاداش‌های مطلوب و تعریف شده، منابع و انرژی‌هایی را بسیج کرده و اداره می‌کنند.

۳- **یگانگی:** در هر نظام کنش، برخی از اجزای کنش کارشان مراقبت و جلوگیری از گرایش‌های کج‌روی و حفظ هماهنگی میان اجزا و دوری کردن از اختلال‌های عمیق است.

۴- حفظ الگو: هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگه‌دارنده

این انگیزش‌ها را ایجاد، نگه‌داری و تجدید کند (روشه، ۱۳۷۵: ۷۶).

بر اساس نظر پارسونز، چهار کارکرد مذکور با چهار نظام کنش پیوند دارند. ارگانسیم زیستی نوعی نظام کنش است که کارکرد سازگاری‌اش را از طریق تطبیق و تغییر شکل جهان خارجی انجام می‌دهد. نظام شخصیتی کارکرد دستیابی به هدف را از طریق تعیین هدف‌های نظام و بسیج منابع برای دستیابی به آنها، انجام می‌دهد. نظام اجتماعی، با تحت نظارت در آوردن اجزای سازنده‌اش کارکرد یگانگی را انجام می‌دهد. سرانجام، نظام فرهنگی، کارکرد سکون را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آن‌ها را به کنش برمی‌انگیزد، انجام می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

زیر سیستم‌های نظریه نظام کنش پارسونز، بر طبق یک نظام سلسله مراتبی با مبادله انرژی و اطلاعات با یکدیگر ارتباط دارند. پارسونز با الهام گرفتن از نظریه سبیرنتیک می‌گوید نظام کنش، مثل هر سیستم فعالی، چه جاندار و چه بی‌جان محل گردش بی‌وقفه انرژی و اطلاعات است. این مبادله‌های انرژی و اطلاعات میان اجزای نظام است که کنش نظام را برمی‌انگیزد. همه اجزای یک نظام از لحاظ ذخیره اطلاعات و انرژی برابر نیستند؛ بعضی‌ها بیش‌تر انرژی در اختیار دارند، بعضی دیگر ذخیره اطلاعاتشان بیش‌تر است (روشه، ۱۳۷۶: ۸۸).

نظریه منابع در دسترس

در نظریه منابع در دسترس، تقسیم قدرت در خانواده و پایگاه قدرت هر یک از همسران، متأثر از منابع در دسترس هر یک از آن‌ها بوده و هم‌چنین میزان استقلال و وابستگی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این نظریه، توانایی هر یک از همسران در برآورده کردن نیازهای طرف مقابل، به‌عنوان منبع قدرت فرد تلقی می‌شود. از این‌رو، در جوامعی که وظیفه تامین زن بر عهده مرد است و مرد، تنها منبع برآوردن نیازهای خانواده است، طبعاً همسر مرد به لحاظ ایدئولوژیک اجازه اعمال قدرت و تصمیم‌گیری نهایی یک سویه را به شوهر می‌دهد. با افزایش نسبت زنان شاغل در جامعه و تامین بخشی از هزینه‌های خانواده به‌وسیله درآمد زنان شاغل، پایگاه قدرت زنان هم بهبود یافته است. نظریه منابع، بر ارزش نابرابر مبادلات زن و شوهر در خانواده تاکید می‌کند. با این نگاه، قدرت بیشتر در اختیار فردی است که نقش بیشتری در تامین نیازهای خانواده دارد و

جنسیت در این میان اهمیتی ندارد. در مقابل، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که بر توانایی ارزش‌های پدرسالارانه تأکید می‌ورزد. این ارزش‌ها می‌توانند پایه‌های قدرت زنان را سست و اقتدار مردان را تقویت کنند (گروسی، ۱۳۸۷، ۱۲).

باور و گرایش دینی فرزندآوری:

دین در هر جامعه با آموزه‌های خود، در زمینه عدم استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی، ممنوع و حرام بودن سقط جنین و از طرفی ارزش داشتن فرزند زیاد که به پیروان خود القاء می‌کند بر میزان فرزندآوری تأثیرگذار است. همین موضوع محقق را بر آن داشت تا دینداری را با ابعاد چهارگانه اعتقادی، مناسکی، پیامدی و عاطفی با توجه به تئوری گالک و استارک مورد بررسی قرار دهد. سنجش این ابعاد با این پیش فرض که بر باروری موثر می‌باشد مورد توجه قرار گرفته است. دینداری و ابعاد آن بیانگر موضوعی است که مردم عموماً با درک شیوه‌های مختلفی از مقدسات و با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کنند، می‌باشد. گالک و استارک عقیده دارند، به‌رغم آنکه ادیان جهانی، در جزئیات بسیار متفاوتند اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها یا به عبارت بهتر ابعاد آن، جلوه‌گر می‌شود (بوورول، ۱۹۹۹: ۳۳). دین اسلام نیز در مواقع خاص ترغیب به فرزندآوری را جزئی از آموزه‌های دینی برای پیروان خود خواهد داشت و بنا به نظر بسیاری از جمعیت‌شناسان عامل دین در گرایش به فرزندآوری نقش عمده دارد به طوری که گلدشایدر همبستگی بین وابستگی مذهبی و باروری را مهم ارزیابی می‌کند و از عبارت الهیات ویژه شده بهره می‌گیرد و معتقد است که باروری متفاوت گروه‌های مذهبی دلالت بر متفاوت بودن آموزه‌های دینی آنها می‌باشد (چمی، ۱۹۸۱: ۵) به زعم گلدشایدر با فرض الهیات ویژه شده تأثیرگذاری بر باروری جزء لاینفک مذهب به‌شمار می‌رود. می‌توان با نادیده گرفتن فاکتورها و عوامل اقتصادی و اجتماعی به تأثیرگذاری مذهب بر باروری پی برد (باهاگات و دیگران ۲۰۰۵: ۴۱۱) البته گلدشایدر معتقد است که با استراتژی‌های تحلیل می‌بایست با کنترل ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی اهمیت ایدئولوژی‌های مذهبی مورد ارزیابی قرار گیرد (لوکاس و میر ۱۳۸۱: ۱۱۸)

چهار چوب نظری

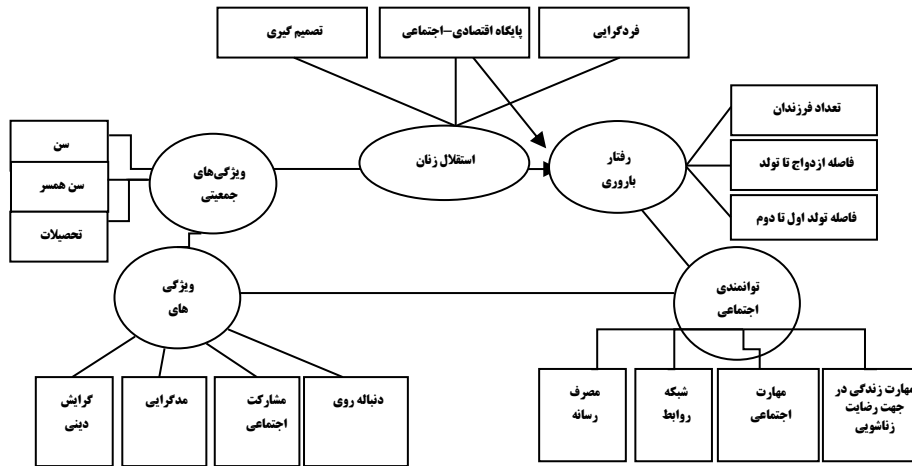
عوامل شناسایی شده	نتایج	نظریه پرداز	نظریه
صنعتی شدن - سطح زندگی	به موازات صنعتی شدن، سطح زندگی و شرایط بهداشت، بهبود یافته و در نتیجه سطوح مرگ و میر کاهش یافته است	تامسون ^۱ (۱۹۳۰) و نوتشتاین ^۲ (۱۹۵۳)	نظریه انتقال جمعیت
منافع و ثروت	شرایط اجتماعی با طرح یک حداقل، مانع افت باروری در سطوح پایین تر از آن کف مشخص می شود او معتقد است منافع ناشی از فرزند در جوامع سنتی و توسعه یافته متفاوت است	کالدول (۱۹۸۲)	نظریه جریان ثروت بین نسلی
جایگاه و منزلت والدین	میزان باروری هر خانوار و جامعه را مبنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می دانند.	دمونت (۱۹۸۸)	نظریه ارتقا اجتماعی
رفتار اقتصادی	رفتار باروری خانواده متأثر از رفتار اقتصادی است، بر اساس این نظریه تعداد بچه هایی که خانواده ها خواهند داشت بیشتر به واسطه عامل درآمد تعیین می شوند	بکر (۱۹۹۹)	نظریه های اقتصادی
ارزش ها و هنجارهای خانوادگی، شخصیت افراد - مشارکت - استقلال	ارزش ها و هنجارهای خانوادگی، شخصیت افراد را تحت تاثیر قرار داده و شیوه مشارکت آن ها در امور مربوط به خانواده را تغییر می دهد بنابراین افراد بر حسب میزان استقلال شخصیتی که در خانواده دارند، به کنش می پردازند. با توجه به این که رفتار باروری به عنوان یک کنش جمعی در سطح خانواده مطرح می باشد، به نظر می رسد تحت تاثیر میزان استقلال فرد قرار گیرد.	ماکس وبر (۱۹۷۶) تالکوت پارسونز (۱۹۹۰)	باروری به متابسه کنش اجتماعی
قدرت تصمیم گیری - مشارکت اجتماعی - استقلال و وابستگی - رضایت زناشویی	تقسیم قدرت در خانواده و پایگاه قدرت هر یک از همسران، متأثر از منابع در دسترس هر یک از آنها بوده و هم چنین میزان استقلال و وابستگی زوجین و رضایت و مشارکت اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد	بلود و ولف ^۳ (۱۹۶۰)	نظریه منابع در دسترس

1. Thamsom
2. Nuteshtain
3. Blood & Wolfe

تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به باروری از دیدگاه زنان شاغل در آموزش و پرورش

عوامل شناسایی شده	نتایج	نظریه پرداز	نظریه
موقعیت اقتصادی و اجتماعی	این تقریباً یک قانون اقتصادی - اجتماعی است که افراد از طبقه یا موقعیت اقتصادی و اجتماعی پایین تر باروری بالاتری دارند پایگاه اجتماعی فرد در ارتباط نزدیک با تغییرات واقعی باروری قرار دارد.	رانگ (۱۹۷۷) کیلفورد (۲۰۰۰)	نظریه اقتصادی و اجتماعی
دین و گرایش دینی	دین در هر جامعه با آموزه های خود، در زمینه عدم استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی، ممنوع و حرام بودن سقط جنین و از طرفی ارزش داشتن فرزند زیاد که به پیروان خود القاء می کند بر میزان فرزندآوری تاثیرگذار است.	بوورول، (۱۹۹۹)	باور و گرایش دینی فرزندآوری
جایگاه خود و فعالیت در عرصه اجتماعی - تغییر نگاه به وضعیت زنان	فرزندآوری ویژگی بیولوژیکی زنان می باشد اما تعدد زایش بستگی به شناخت جایگاه خود و فعالیت در عرصه اجتماعی دارد. تغییر نگاه به وضعیت زنان در جامعه چه از سوی مردان و چه از سوی زنان شاید یکی از اساسی ترین محور کاهش موالید باشد	ریتزر (۲۰۰۲)	
مد و سلیقه	تمایل به فرزندآوری بر اساس مد و سلیقه قابل تبیین می باشد	استرلین (۱۹۹۹) بورديو (۲۰۰۳)	تمایلات به مد
حضور زنان در عرصه های اجتماعی و مشارکت سیاسی و فعالیت های گروهی	حضور زنان در عرصه های اجتماعی و مشارکت سیاسی و فعالیت های گروهی آنان را از وظیفه اصلی یعنی زایش و تربیت فرزندان دور ساخته است.	لیپست و همکاران (۱۹۷۴)	مشارکت زنان
حضور زنان در جامعه برای کار و اشتغال و....	نابرابری های در حوزه آموزشی و جامعه پذیری برای اشتغال، کار و حضور زنان در جامعه	ولستون کرافت	فمینیسم لیبرال

مدل مفهومی تحقیق



فرضیه‌های تحقیق

- بین دنیاله روی و انجام آن در بین زنان جوان - دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین رضایت مندی زناشویی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مدگرایی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین گرایش دینی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان جوان و دختران بر گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فردگرایی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

- بین احساس روحی روانی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

- بین (مدرنیته) نو بودن افکار زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق ما، کمی، پیمایشی و اسنادی بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. جامعه‌ی آماری

جامعه آماری این تحقیق، زنان متأهل و شاغل در آموزش و پرورش شهرستان رباط کریم در سنین باروری (۴۹-۱۵) ساله می‌باشد. با استفاده از اطلاعات آموزش و پرورش شهرستان رباط کریم، جمعیت زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان رباط کریم حدود ۱۰۰۰ نفر می‌باشد. با استفاده نمونه‌گیری تصادفی و فرمول کوکران تعداد ۲۷۸ نفر باید مطالعه شوند

$$t = 1/96$$

$$P = 0/5$$

$$q = 0/5$$

$$d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{10000} \left(\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1 \right)} = 278$$

اعتبار ابزار را باروش صوری و با نظر اهالی فن از جامعه شناسان، جمعیت شناسان و اساتید رو

تهیه کردیم و پایایی آن با آلفای کرونباخ بوده است.

جدول ۳. بررسی پایایی پرسشنامه متغیرهای پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	ابعاد	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل موثر بر گرایش به	استقلال زنان	۰/۶۹۳
	شبکه روابط اجتماعی	۰/۸۵۲

متغیر	ابعاد	ضریب آلفای کرونباخ
باروری	مهارت‌های زندگی و اجتماعی؛	۰/۷۰۷
	مصرف رسانه	۰/۸۰۳
کل پرسشنامه		۰/۷۶۳

یافته‌های تحقیق

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده می‌پردازیم. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد و روش همبستگی پیرسون برای بررسی فرضیه‌ها استفاده شده است.

آمار توصیفی

جدول شماره ۴-۱. سن پاسخگویان

گویه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۳۰-	۷۰	۲۵,۲	۲۵,۲	۲۵,۲
۳۱-۴۰	۱۵۲	۵۴,۷	۵۴,۷	۷۹,۹
+۴۱	۵۶	۲۰,۱	۲۰,۱	۱۰۰
جمع کل	۲۷۸	۱۰۰	۱۰۰	

برابر داده‌های جدول شماره (۴-۱)، بیشترین افراد پاسخگو در گروه سنی ۳۱-۴۰ سال قرار دارند کمترین شمار پاسخگویان در گروه سنی بالای ۴۱ سال قرار دارند. فضای تراکمی اشتغال معلم‌ها چنین گستره‌ای را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۴-۲. تحصیلات پاسخگویان

گویه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کاردانی	۵۱	۱۸,۳	۱۸,۳	۱۸,۳
لیسانس	۱۸۵	۶۶,۵	۶۶,۵	۸۴,۹
فوق لیسانس	۳۵	۱۲,۶	۱۲,۶	۹۷,۵
دکتر	۷	۲,۵	۲,۵	۱۰۰
جمع کل	۲۷۸	۱۰۰	۱۰۰	

تبيين جامعه شناختی عوامل موثر بر گرايش به باروری از دیدگاه زنان شاغل در آموزش و پرورش

برابر داده‌های جدول شماره (۴-۲)، بیشتر افراد پاسخگو مدرک تحصیلی لیسانس دارند. کمترین پاسخگویان مدرک تحصیلی دکتری دارند. دوباره بیشتر افراد شاغل در اداره ها به ویژه در آموزش و پرورش را مدرک کارشناسی و کمترین را مدرک دکتری شکل داده است

جدول شماره ۴-۳. سابقه خدمت

گويه	فراواني	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۰-	۷۸	۲۸,۱	۲۸,۱	۲۸,۱
۱۱-۲۰	۱۴۸	۵۳,۲	۵۳,۲	۸۱,۳
+۲۱	۵۲	۱۸,۷	۱۸,۷	۱۰۰
جمع کل	۲۷۸	۱۰۰	۱۰۰	

برابر داده‌های جدول شماره (۴-۳)، بیشتر افراد پاسخگو سابقه کاری بین ۱۱- ۲۰ سال دارند و کمترین پاسخگویان، سنوات بیش از ۲۱ سال دارند. تراکم جمعیتی شاغلین خانم در ادوات به ویژه آموزش و پرورش را سنوات ۱۱ تا ۲۰ سال یا دهه دوم خدمتی ها شکل داده‌اند.

جدول شماره ۴-۴. شغل همسر

گويه	فراواني	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
آزاد	۴۸	۱۷,۳	۱۷,۳	۱۷,۳
کارمند	۱۴۳	۵۱,۴	۵۱,۴	۶۸,۷
معلم	۸۷	۳۱,۳	۳۱,۳	۱۰۰
جمع کل	۲۷۸	۱۰۰	۱۰۰	

برابر داده‌های جدول شماره (۴-۴)، جدول شغل همسران بیشترین افراد پاسخگو کارمند هستند و کمترین شغل همسر پاسخگویان آزاد است. با عنایت به نظریه همسان همسری بیشتر خانم های شاغل اداری همسرهای شاغل اداری دارند

جدول شماره ۴-۵. تحصیلات همسر

گويه	فراواني	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
ديپلم	۲۲	۷,۹	۷,۹	۷,۹
کاردانی	۶۹	۲۴,۸	۲۴,۸	۳۲,۷
لیسانس	۱۰۹	۳۹,۲	۳۹,۲	۷۱,۹

جدول شماره ۴-۵. تحصیلات همسر

گویه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
فوق لیسانس	۷۰	۲۵,۲	۲۵,۲	۹۷,۱
دکتر	۸	۲,۹	۲,۹	۱۰۰
جمع کل	۲۷۸	۱۰۰	۱۰۰	

برابر داده‌های جدول شماره (۴-۵)، بیشترین تحصیلات همسران افراد پاسخگو لیسانس هستند و کمترین شمار تحصیلات همسران پاسخگویان دکتر بوده است. باز بر پایه نظریه همسان همسری تحصیلات همسران با خانم‌ها همانندی دارند.

نرمال بودن داده‌ها

بررسی فرض نرمال بودن داده‌های مربوط به پرسشنامه

H0: داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند.

H1: داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۴-۶. نرمال بودن داده‌ها

متغیر	عوامل موثر بر گرایش به باروری	رفتار باروری
حجم نمونه	۲۷۸	۲۷۸
پارامترهای توزیع نرمال	میانگین	۳/۳۳
	انحراف معیار	۰,۷۰
آماره آزمون کلموگروف-اسمیرنوف	۰,۱۰	۰,۱۲
سطح معنی‌داری آزمون	۰,۳۷	۰,۴۳
نتیجه آزمون	نرمال است	نرمال است

آمار استنباطی

فرضیه اول

بین تقدیرگرایی و اعتقاد به آن در بین زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۷. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه اول

آزمون ضریب همبستگی پیرسون		تقدیرگرایی	گرایش به فرزندآوری
دنباله روی	ضریب آزمون پیرسون	۱	۰,۶۷۰
	معناداری		۰,۰۰۰
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸
گرایش به فرزندآوری	ضریب آزمون پیرسون	۰,۶۷۰	۱
	معناداری	۰,۰۰۰	
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دنباله روی و اعتقاد به آن در بین زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می‌دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۶۷۰) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می‌باشد. بخش زیادی از پیش‌بینی‌های باروری خانم‌های جامعه در حال مطالعه با تقدیرگرایی و اعتقاد به سرنوشت تبیین می‌شود.

فرضیه دوم

بین رضایت‌مندی زناشویی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۸. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه دوم

آزمون ضریب همبستگی پیرسون		رضایت‌مندی زناشویی	گرایش به فرزندآوری
رضایت‌مندی زناشویی	ضریب آزمون پیرسون	۱	۰,۵۵۶
	معناداری		۰,۰۰۰
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸
گرایش به فرزندآوری	ضریب آزمون پیرسون	۰,۵۵۶	۱
	معناداری	۰,۰۰۰	
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین رضایت‌مندی زناشویی با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می‌دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۵۵۶) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می‌باشد. این فرضیه بیانگر آن است که زن و مرد چنانچه زندگی رضایت‌مندی با همدیگر داشته باشند می‌توانند باروری‌های بیشتری را تجربه کنند.

فرضیه سوم

بین مدگرایی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۹. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه سوم

گرایش به فرزندآوری	مدگرایی زنان	آزمون ضریب همبستگی پیرسون	
۰,۳۴۶	۱	ضریب آزمون پیرسون	مدگرایی زنان
۰,۰۰۰		معناداری	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	
۱	۰,۳۴۶	ضریب آزمون پیرسون	گرایش به فرزندآوری
	۰,۰۰۰	معناداری	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین مدگرایی زنان با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۳۴۶) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می باشد. زنانی که مدگرایی را همبستگی می گیرند با رواج فرزندآوری به فرزندآوری جواب مثبت می دهند در صورت از رونق افتادن آن در جامعه آن ها نیز از باروری فاصله می گیرند.

فرضیه چهارم

بین گرایش دینی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۰. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه چهارم

گرایش به فرزندآوری	گرایش دینی	آزمون ضریب همبستگی پیرسون	
۰,۸۳۵	۱	ضریب آزمون پیرسون	گرایش دینی
۰,۰۰۰		معناداری	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	
۱	۰,۸۳۵	ضریب آزمون پیرسون	گرایش به فرزندآوری
	۰,۰۰۰	معناداری	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین گرایش دینی زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۸۳۵) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می باشد. زنانی که اعتقادهای دینی بالایی دارند به تبع اعتقاد به فرزندآوری رفتارهای باروری شان افزایش می یابد.

فرضیه پنجم

بين پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان جوان و دختران بر گرايش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۱. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه پنجم

گرایش به فرزندآوری	پایگاه اقتصادی اجتماعی	آزمون ضریب همبستگی پیرسون	
۰,۸۹۰	۱	ضریب آزمون پیرسون	پایگاه اقتصادی اجتماعی
		معناداری	
		تعداد	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	
۱	۰,۸۹۰	ضریب آزمون پیرسون	گرایش به فرزندآوری
		معناداری	
		تعداد	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۸۹۰) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می باشد. زنانی که درآمد اقتصادی، ثروت و وضعیت اقتصادی بالا دارند فرزندآوری بالایی دارند

فرضیه ششم

بين مشارکت اجتماعی زنان جوان و دختران و گرايش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۲. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه ششم

گرایش به فرزندآوری	مشارکت اجتماعی	آزمون ضریب همبستگی پیرسون	
۰,۳۷۲	۱	ضریب آزمون پیرسون	مشارکت اجتماعی
		معناداری	
		تعداد	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	
۱	۰,۳۷۲	ضریب آزمون پیرسون	گرایش به فرزندآوری
		معناداری	
		تعداد	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین مشارکت اجتماعی زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۳۷۲) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می باشد. زنانی که می توانند دیگران را به مشارکت اجتماعی برانگیزانند فرزندآوری و باروری بالایی دارند.

فرضیه هفتم

بین فردگرایی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد

جدول شماره ۴-۱۳. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه هفتم

آزمون ضریب همبستگی پیرسون		فردگرایی	گرایش به فرزندآوری
فردگرایی	ضریب آزمون پیرسون	۱	۰,۵۵۰
	معناداری		۰,۰۰۰
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸
گرایش به فرزندآوری	ضریب آزمون پیرسون	۰,۵۵۰	۱
	معناداری	۰,۰۰۰	
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین فردگرایی زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۵۵۰) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می باشد. زنانی که در خانه تنهایی را تجربه می کنند اشتیاق بیشتری به باروری و فرزندآوری دارند.

فرضیه هشتم

بین احساس روحی روانی زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه هشتم

آزمون ضریب همبستگی پیرسون		احساس روحی روانی	گرایش به فرزندآوری
احساس روحی روانی	ضریب آزمون پیرسون	۱	۰,۷۰۸
	معناداری		۰
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸
گرایش به فرزندآوری	ضریب آزمون پیرسون	۰,۷۰۸	۱
	معناداری	۰,۰۰۰	
	تعداد	۲۷۸	۲۷۸

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین احساس روحی روانی زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۷۰۸) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می باشد. زنانی که احساسات و وضعیت روانی احساسی دارند گرایش به فرزندآوری و باروری بالایی دارند.

فرضیه نهم

بین نو بودن افکار زنان جوان و دختران و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۵. آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه نهم

گرایش به فرزندآوری	(مدرنیته) نو بودن افکار	آزمون ضریب همبستگی پیرسون	
۰,۶۷۴	۱	ضریب آزمون پیرسون	(مدرنیته) نو بودن افکار
۰,۰۰۰		معناداری	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	
۱	۰,۶۷۴	ضریب آزمون پیرسون	گرایش به فرزندآوری
	۰,۰۰۰	معناداری	
۲۷۸	۲۷۸	تعداد	

نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین (مدرنیته) نو بودن افکار زنان جوان و دختران با گرایش به فرزندآوری از نظر پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می‌دهد «ضریب همبستگی برابر با (۰,۶۷۴) و سطح معناداری (۰,۰۰۰)». می‌باشد. زنانی که افکار و اندیشه‌های نویی دارند بیشتر به دنبال باروری و فرزندآوری هستند.

تحلیل رگرسیون^۱

در اکثر روش‌های تحلیلی که با استفاده از ضرایب همبستگی بین دو متغیر صورت می‌گیرد، می‌توانیم پی ببریم که اولاً آیا بین دو متغیر رابطه وجود دارد یا خیر، و در صورت وجود رابطه شدت آن چقدر است. اما در صورتی که بخواهیم اطلاعات بیشتری از رابطه و شدت بین دو و یا چند متغیر داشته باشیم و نیز بدانیم به ازای تغییرات در متغیرهای مستقل چه مقدار به متغیر وابسته افزوده و یا کاسته می‌شود (به ازای تغییرات پیش‌بینی‌نماییم) از تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. در مطالعه روابط آماری فرضیات مختلف تحقیق، برای مطالعه تاثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

1. Regression Analysis

عوامل موثر بر گرایش به فرزندآوری

جدول ۴-۱۶. ANOVA^b

Model		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	924.968	9	102.774	1886.540	.000 ^a
	Residual	14.600	268	.054		
	Total	939.568	277			

Coefficients^a

Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		متغیرهای وابسته
		Beta	Std. Error	B	
.004	1.223		.164	.201	مقدار ثابت
.000	.071	.001	.010	.001	دنباله روی
.000	77.290	.982	.013	.975	رضایت مندی زناشویی
.004	-.379	-.005	.011	-.004	مدگرایی زنان
.000	4.449	.071	.010	.046	گرایش دینی زنان
.007	-2.740	-.129	.023	-.062	پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان
.000	-3.780	-.313	.040	-.153	مشارکت اجتماعی زنان
.008	.106	.002	.010	.001	فردگرایی زنان
.007	1.086	.069	.044	.048	احساس روحی روانی زنان
.000	5.001	.329	.030	.152	(مدرنیته) نو بودن افکار زنان

نتایج حاصل بیانگر آن است که از میان عوامل موثر بر گرایش به فرزندآوری (تقدیرگرایی، رضایت مندی زناشویی، مدگرایی زنان، گرایش دینی زنان، پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان، مشارکت اجتماعی زنان، فردگرایی زنان، احساس روحی روانی زنان، (مدرنیته) نو بودن افکار زنان)، همه متغیرها، وارد معادله شده‌اند. رضایت مندی زناشویی بالاترین تاثیر ۹۸۲٪، بر باروری و فرزندآوری دارد مشارکت اجتماعی زنان دومین ضریب تاثیر ۳۱۳٪، نو بودن افکار سومین ضریب تاثیر و پایگاه اقتصادی و اجتماعی ضریب تاثیر بعدی را دارد.

جدول ۴-۱۷. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر گرایش به فرزندآوری

روش ورود متغیرها	Method = Enter
ضریب همبستگی چندگانه	R=.896
ضریب تعیین	R ² =.803
ضریب تعیین تعدیل یافته	R ² .adj=.800
خطای معیار	S.E=1.468
تحلیل واریانس	ANOVA=1886.540
سطح معناداری	.000

نتیجه‌گیری

مشارکت اجتماعی زنان جوان و دختران بر گرایش به فرزندآوری اثر دارد. رابطه تایید گردید ضریب همبستگی پیرسون (۰.۳۷۲) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) فردگرایی زنان جوان و دختران بر گرایش به فرزندآوری اثر دارد رابطه تایید گردید ضریب همبستگی پیرسون (۰.۵۵۰) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) احساس روحی روانی زنان جوان و دختران بر گرایش به فرزندآوری اثر دارد. رابطه تایید گردید ضریب همبستگی پیرسون (۰.۷۰۸) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) احساس روحی روانی زنان جوان و دختران بر گرایش به فرزندآوری اثر دارد. رابطه تایید گردید ضریب همبستگی پیرسون (۰.۶۷۴) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) که نشان از اهمیت عوامل اجتماعی و اقتصادی دارد که به ترتیب ۱. پایگاه اقتصادی اجتماعی، ۲. گرایش دینی زنان، ۳. احساس روحی روانی زنان جوان و دختران، ۴. احساس روحی روانی زنان جوان و دختران، ۵. تقدیرگرایی و اعتقاد به آن در بین زنان جوان و دختران، ۶. رضایت مندی زناشویی زنان جوان و دختران، ۷. فردگرایی زنان جوان و دختران، ۸. مشارکت اجتماعی زنان جوان و دختران و ۹. مدگرایی زنان جوان و دختران از لحاظ شدت رابطه در سطح معناداری قرار گرفتند. همچنین یافته‌های تحقیق در راستا و همسو با نتایج تحقیقات قبلی (عباسی شوازی؛ خواجه صالحی (۱۳۹۲)، مباشری و همکارانش در سال (۱۳۹۲)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، برناردی^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، اکرت جف و استیر (۲۰۰۹)، رامش آدهی کاری^۲ و سوانگک^۳ (۲۰۱۱) بوده است.

1. Bernardi
2. Adhikari
3. Swangdee

پس نتیجه گرفته می‌شود عوامل اقتصادی و اجتماعی بخصوص پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان رباط کریم می‌تواند بر گرایش به باروری تاثیر گذار است. همان‌طور که نتایج به‌دست تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به باروری از دیدگاه زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان رباط کریم نشان داد که عوامل اجتماعی، اقتصادی مورد بررسی در این پژوهش (تقدیرگرایی، رضایت‌مندی زناشویی، مدگرایی، گرایش دینی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فردگرایی، احساس روحی روانی و (مدرنیته) نو بودن افکار زنان جوان و دختران) بر گرایش به فرزندآوری اثر دارد که نتایج با نظریه‌های اقتصادی، نظریه ارتقا اجتماعی، نظریه‌های اجتماعی فرهنگی، باروری به مثابه کنش اجتماعی، نظریه منابع در دسترس، باروری و موقعیت اقتصادی و اجتماعی، باور و گرایش دینی فرزندآوری، مشارکت اجتماعی که در فصل دوم مورد بررسی قرار گرفت تبیین و تایید گردید.

به‌طور خلاصه به نظر می‌رسد رفتار باروری زنان تحت تاثیر میزان استقلال آن‌ها در خانواده می‌باشد. از طرف دیگر، میزان توانمندی‌های فردی و اجتماعی زنان که شامل آگاهی و ارتباطات اجتماعی آن‌ها و همچنین توانایی‌های فردی‌شان می‌باشد؛ بر رفتار باروری زنان موثر است.

از آنجا که داشتن تحصیلات بالا منجر به حضور و مشارکت بیشتر زنان در مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شده و اشتغال زنان بسیاری از فرصت‌های فرزندآوری و تربیت آنها را بصورت دلخواه با انجام دیگر فعالیت‌های روزمره تعویض و جایگزین نموده، لذا می‌بایست مسئولین و برنامه‌ریزان کشور جهت توسعه پایدار و پیشرفت جامعه، امکانات رفاهی را برای زنان شاغل فراهم آورده و با دادن تسهیلات بیشتر، آنها را در امر فرزندآوری تشویق کنند تا ضمن تحکیم خانواده باعث رشد و تعالی با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و همچنین روند رو به کاهش رشد جمعیت در چشم انداز جمعیتی کشور ایران، پیشنهاد می‌شود رسانه‌های جمعی از جمله صدا و سیما، مطبوعات، سایت‌ها و ... با ارائه بحث‌های کارشناسی به این موضوع پردازند تا با شناخت وضعیت موجود و مسیر آینده، بتوان جهت فرهنگ سازی اقدامات رسانه‌ای لازم صورت داد. از جمله این اقدامات می‌توان به حضور متخصصان مربوطه در رسانه، تبلیغات غیر رسانه‌ای، ساخت فیلم و سریال با هدف تاثیرگذاری بر مخاطبان و ... اشاره کرد

پيشنهادهای پژوهش

- به نظر می رسد اشتغال زنان به عنوان یکی از عامل های اجتناب از فرزندآوری و باروری و حتی ازدواج زنان می باشد.
- پیشنهاد می شود ماهانه به شکل هدفمندی در اختیار زنان خانه دار قرار داده شود تا هم انگیزه زنان برای اشتغال در بیرون از خانه از بین برود . و زنان انگیزه برای ازدواج، باروری و فرزندآوری داشته باشند.
 - پیشنهاد می شود که برنامه هایی برای نقش آفرینی های شغلی زنان درون خانه میسر شده و برنامه هایی برای نگهداری از کودکان فراهم شود که این کارکرد زنان را از انگیزه فرزندآوری و باروری باز ندارد.
 - پیشنهاد می شود مهندسی های ساخت و ساز خانه ها و منزل ها از حالت آپارتمانی به وضعیتی که ارتباط های بین زنان با همدیگر افزایش یابد تغییر داده شود تا انگیزه های زنان برای فرزندآوری و باروری افزایش یابد.
 - پیشنهاد می شود برنامه هایی برای کاهش اشتغال مردان و افزایش درآمدهای شان در نظر گرفته شود تا میزان رضایت زن و مرد از زندگی بالا رفته و زمینه افزایش فرزندآوری و باروری فراهم گردد.
 - پیشنهاد می شود رسانه های اجتماعی و تبلیغات گوناگون در جامعه به سوی افزایش ازدواج، فرزندآوری و باروری بیشتر شود.

فهرست منابع

Books

- Taqvi, N; 1380, population and family planning, 9th edition, Tehran, Kayhan Publications.(in Persian text)
- Davas, D. E (1386). Survey in social research, translated by Hoshang Naibi, 10th edition, Tehran: Ney Publishing.(in Persian text)
- Ritzer, George (1374). Sociological theory in the contemporary era. Translated by Mohsen Trii. Tehran: Scientific Publications. (in Persian text)
- Rafipour, Faramarz (1383). Digs and thoughts. Tehran: Publishing Company. (in Persian text)
- Sheikhi, M., 1368; Sociology of population and family planning, first edition, Tehran, Didar publishing house. (in Persian text)
- Kalantari, Khalil (1385). Data processing and analysis in socio-economic research. Tehran: Sharif Publications. (in Persian text)
- Giddens, A; 1381, Basics of Sociology, 7th edition, Tehran.

Articles:

- Azad Aramaki, Taghi (2016) "Examination of the modernization theory: a case study on cultural determinism in Iran", Farhang magazine, No. 22 and 23: 208-191)(in Persian text)
- Tavasli, Afsana and Saidi, Vahida (2013), "Effect of women's employment on power structure in families of Ivanki city". Journal of Humanities, Women in Development and Politics, Volume 9, Number 3, pp. 133-150. (in Persian text)
- Hosseini, Hatem and Bilal Begi (2011). "Women's independence and fertility actions among Kurdish women in Mahabad city". Women in Development and Politics, Volume 10, Number 4, pp. 78-57. (in Persian text)
- Rashidi Al-Hashem, Seyyed Mohammad Reza (2017) Cultural, social and security consequences of population decline, Psychological Operations Quarterly, No. 48.
- Salimi, Seyyed Hossein. (2008), Dimensions of Marital Satisfaction in Veteran Spouses, New Educational Thoughts, Volume 4, Number 4, 72-55. (in Persian text)
- Sifi FM; 2016, a research on fertility in rural areas of Fars province, multivariate analysis, under the supervision of Aghajanian, Shiraz, Shiraz University. (in Persian text)
- Sharafuddin, Seyyed Hossein, Chiraghi Kotiani, Ismail (2013) The role of culture and cultural structures in demographic changes, Social Knowledge Quarterly, No. 21.(in Persian text)
- Azimzadeh Ardabili, Faizeh, Jalali, Zahra (2017) Pathology of birth control policy and family planning law, publication: Fiqh and Family Law (Nadai Sadegh), Year: 2017, Volume: 23, Number: 68, Pages: 125 151 . (in Persian text)
- Enayat, Halimah and Raisi Tahereh (2011). "Measuring the factors affecting the distribution of power in the family with an emphasis on social capital theory".

- Journal of humanities, women in development and politics. No. 36. pp. 23 to 40. (in Persian text) Farzad Sir, K; 1371, economic, social and demographic factors affecting fertility in rural areas of Yazd province, Tehran master's thesis, Shahid Beheshti University, Faculty of Humanities. (in Persian text) 11 Kazemipour, Sh. 1377, cultural development and evolution of fertility in Iran based on the research findings, investigating the behavior and attitudes and opinions of literate students, educators and those involved in the literacy movement, Tehran, research letter 1. (in Persian text)
- additional Kazemi, R; 1379, study of economic, social and cultural factors affecting fertility during 1975-65 in the country, master's thesis, demography, University of Tehran, Faculty of Social Sciences. (in Persian text)
- police station, Abdul Hossein; Hossein Hosni and Akram Alivardipour Durvari (2011). "Measuring the impact of gender on media consumption in Iran.(in Persian text)
- (secondary analysis of national survey data)". Women in development and politics. Volume 10. Number 4. Winter 2013, pp: 79 99. (in Persian text)
- Najafipour, Gholamreza (1389). "Investigation of reproductive behavior among working and non-working women in Baghmolek". Shushtar Islamic Azad University: Shushtar. (in Persian text) Nasiripour, Mojtabi (1387). "Investigation of factors affecting the spacing between first and second births (a case study of 49 10-year-old married women in Lorestan province)". Shahid Allameh Tabatabai University: Tehran. (in Persian text) Naqib al-Sadat, Reza; Darшти, Amir Ali and Khalilinejad, Sara (2009). "Investigation of the role of economic, social and cultural factors on women's attitude towards fertility". Journal of information and librarianship, book of the month of social sciences of the new period, March 2019, number 36, pp. 133-122.(in Persian text). Nowrozi, L; 1375, investigating the effect of economic and social factors on the fertility rate of women in Iran, Tehran, Program and Budget Magazine, No. 30.(in Persian text)

سایت‌ها

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰. تهران: مرکز آمار ایران.

Theses

- Oktaei, Rosita (2004), "Decreasing fertility in Iran and the social, economic and cultural factors affecting it with an emphasis on the role of family planning between 1375-1365 (case study: Isfahan city)", University of Isfahan: end Master's degree in sociology.(Persian text)

English References

- Elkin , F.and G.Handel (1979) , The child and society : The process of socialization , New York : Random House(
- Erfani, Amir and kevin McQuillan. 2014''The changing timing of births in iran: An explanation on the rise and fall in fertility after the 1979 islamic Revolution'', Biodemography and Social Biology 60(1): PP 67-86 [

- Caldwell J.C.(1976) Toward a restatement of demojraphic transition theory population and development review.
- Hull and Hull, V;(1997) politics cultre and fertility; "Transition in Indonesia"
- Becker, saschao, cinnirella, Francesco and woessmann, -ludger (2013)." Does women's education affect fertility?"
- Beckman, L.J (1987)."Couples dision-making processes regarding fertility", In The European experience of declining fertility 1850-1970, J.R.Gillis, L.A.Tilly and D.Levine, eds.Pp:13-30.
- Bloom, Shelan S, Wypij, David and Monica Das Gupta (2001). "Diminsion of womens autonomy and the influence on maternal health care utilization in a north India city". Demography, Vol: 38, No, 1, Pp: 67-78.
- Brunson, Emily K, Duncan, Bettina Shell and teele, Matthew S (2009). "Women's Autonomy and Its Relationship to Children Nutrition among the Rendille of Northern Kenya". American Journal of human Biology. No, 21, Pp: 55- 64.
- Fotso, Jean Christophe, Ezeh, Alex C and Hildah Essendi (2009). "Maternal health in resource- poor urban settings: how does womens autonomy influence the utilization of obstetric services". Reproductive health, Vol.6, No, 9, Pp: 1-8.
- Hadley, Craig, Brewis, Alexander and Pike, Ivy (2010). "Dose Less Autonomy erode womens health? Yes. No. Maybe". American journal of human biology. 22: 103-110.